

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سعاد الله صافی

۲۲ اپریل ۲۰۱۲

قابل توجه «هواداران "ساما" در کانادا»

طرح سؤالاتی که جواب طلب اند

اخیراً متن چاپی اعلامیه تاریخی ۳۰ مارچ ۲۰۱۲ "هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در کانادا" در محکومیت قتل عام پنجوایی قندهار توسط نظامیان وحشی اشغالگر امریکائی را دوستی که از کدام صفحه انترنتی چاپ کرده بود، به دستم داد. از موضع گیری و محتوای اعلامیه و اقدام نویسندگان آن حسن استقبال کرده و آنرا اولین گام در جهت شکستن سکوت و خاموشی چندین ساله آنان می دانم. اما این اقدام فردی و یا جمعی را به تنهایی کافی ندانسته و امیدواریم که با برداشتن گام های متعدد دیگر، در مخالفت با جریان انقیاد طلبی، توسط حامیان و هواداران "مرکزیت تحمیل شده فعلی" تکمیل گردد.

نویسنده این سطور و مطرح کننده سؤالات ذیل، یکی از منسوبین جریان دموکراتیک نوین بوده که برای سال های طولانی عضویت "ساما" را داشته ام و به سرنوشت جنبش انقلابی کشور و "ساما" و روشنگری واقعینانه در مورد ابهامات خیلی علاقه مند هستم. مطرح کردن این سؤالات هم از روی این علاقه مندی و اشتیاق من به آینده و سرنوشت نهادی است که اینگونه در معرض حوادث ناگوار قرار گرفته و بازیچه هوی و هوس و قدرت طلبی عده ای منحرف و دمساز با علایق و اهداف غارتگرانه تجاوزگران کشورم قرار گرفته است. سوی این علایق، کدام هدف خاصی از طرح این سؤالات ندارم.

تا جایی که من اطلاع دارم و از جریان مبارزات حاد ایدئولوژیک - سیاسی چندین ساله درون سازمانی میان مرکزیت منحرف و اعضاء و کادر های اصولی "ساما" بر می آید، پس از تجاوز نظامی امپریالیست های امریکا و ناتو به کشور ما افغانستان و نصب رژیم پوشالی در سال ۲۰۰۱، عده ای از اعضاء مرکزیت آنوقت این سازمان با "عمده خواندن تضاد جامعه ما با فنودالیسم"، مجوز همراهی و همکاری با اشغال گران کشور را صادر کرده و خود شان عملاً با طرح این تئوری انحرافی و انقیاد طلبانه پیشتانز جاده انحراف و تسلیم طلبی ملی شده و دیگران را به شمول اعضاء سازمان به دنبال خویش فراخواندند. اما خوشبختانه طوری که از اسناد و شواهد و از خلال مبارزات درون سازمانی الی اول دلو سال ۱۳۸۹ و تا امروز ملاحظه می شود، اعضاء و کادر های اصولی سازمان به این

دعوت لیبیک نگفته و علیه آن شوریده و مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی را در سطوح مختلف به ضد آن آغاز کرده و ادامه داده اند و مرکزیت فاسد و اعوان و انصارش را تحریم و طرد کرده اند.

در گرماگرم این مبارزات، من نیز مثل سائر سامانی های نگران به سرنوشت سازمان، از دور و نزدیک این تقابل و تضاد دو خط مشی را دنبال کرده و امیدوار بودم که محصله این مبارزات، آخر الامر به طرد مشی انحرافی مرکزیت و حامیان آن منجر شود. در جریان این انتظار طولانی و خسته گن، بالاخره خبر شدم که مرکزیت منحرف و مردود، حامیان و همکاران آن به تاریخ اول ماه دلو ۱۳۸۹ هجری شمسی کنگره یا کنفرانسی؟ نمایشی را بدون اعضای سازمان و بدون مخالفان خط مشی انحرافی و تسلیم طلبانه شان، در سطح خیلی محدود عجولانه و غیر اصولی دعوت کرده و به فیصله هائی رسیده اند. از آنروز به بعد اشتیاق من ده برابر شده و بی صبرانه منتظر بودم تا بدانم که آن کنگره اول دلو چه گفتنی هائی دارد، چه جوابی به اعضای سازمان در مورد انحرافات فکری - سیاسی و تسلیم طلبی مرکزیت دارد و چگونه با آن برخورد کرده است و چه تصمیماتی را برای خروج "ساما" از بحران اتخاذ کرده است؟؟؟ امیدوار بودم که قطعنامه آن جلسه اضطراری حتماً بنا بر روال معمول در اختیار اعضا و هواداران این سازمان قرار گرفته و رؤس اساسی آن از طریق وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم رسانیده می شود. سه چهار ماهی گذشت، ولی از قطعنامه و مصوبات از منبع رسمی (البته تا امروز) نه شفاهی، نه کتبی خبری نشد.

در حوالی هژدهم جوزای سال ۱۳۹۰ شمسی خبری را شنیده و به قطعنامه "کنفرانس احیاء و تداوم ساما" و اعلامیه "ساما - ادامه دهندگان" در طرد و افشای "مرکزیت مطرود و منحرف تسلیم طلب" و تداوم در راه بنیان گذاران اولیه ساما توسط اعضا و کادر های سازمان دسترسی یافته و اعلامیه های دیگر آنان را وقتاً فوقتاً خواندم. چند ماه قبل دو نوشته چاپی "ساما - ادامه دهندگان"، یکی برنامه ساما به قلم مجید شهید با مقدمه جدید از طرف "ساما - ادامه دهندگان" و دیگری جزوه ۴۳ صفحه ای ("**ندای آزادی**" **جدید مولود** "**توافق نسبی**" **مشی وسطی**" **لیبرال با تسلیم طلبی**) منتشره میزان ۱۳۹۰ شمسی را نیز خواندم. با خواندن جزوه نامبرده، تا حد زیادی از تاریخ و مخصوصاً از ماهیت و چگونگی مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی میان مشی انحرافی مرکزیت منحرف و مشی اصولی انقلابی رهبران جانباخته "ساما" در وجود اعضای اصولی "ساما"، و هم چنان از سیر تکوین، تداوم و عاقبت ذلتبار خط انحرافی "مرکزیت منحرف دپروزی و تحمیل شده فعلی" و تنی چند از متحدان شان به دور آن و تداوم آن انحراف در رهبری و حواشی "سامای" امروزی واقف شدم.

در عین حال که انتظار داشتم تا مواضع و طرز دید دائر کنندگان کنگره اول دلو ۱۳۸۹ را از زبان و از اسناد خود شان بشنوم و بخوانم تا ببینم که دیدگاه های آنان چیست؛ در این جریان به جز دو شماره "ندای آزادی" دوره پنجم، سندی تشکیلاتی به اسم "ساما" به چشم نخورد. قبل از خواندن شماره اول، دوره پنجم "ندای آزادی" انتظار داشتم ناگفته های چندین ساله را در آن ارگان نشراتی "ساما" خواهم یافت. ولی با مطالعه دو شماره ندای آزادی، امید من به یأس مبدل شد. زیرا ندای آزادی دوره اخیر در مورد این که چه بر سر "ساما" و سامانی ها رفت، حرفی ننوشته و از آن رندانه طفره رفته بود. با دریافت اعلامیه هواداران "ساما" در کانادا، فکر کردم که آدرسی و مرجعی برای ارائه سؤالاتم و دریافت پاسخ آن دریافته ام.

نشر اعلامیه های سیاسی - مطبوعاتی توسط یک جمع یا نهاد مدعی طرز دید ایدئولوژیک و خط مشی سیاسی مترقی ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی و یا بخش منسلک به آن تشکل در مورد رویداد ها و موضع گیری در اطراف قضایای سیاسی روز مهم و ضرور است. ولی آنچه قبل از آن و پس از سکوت و خاموشی ممتد آن نهاد و

انحرافات فکری - سیاسی مرکزیت آن حائز اهمیت است، بیان مواضع سیاسی و دیدگاه های آن تشکل در مورد امپریالیسم، کلیت تجاوز و اشغالگری، سیطره استعماری امپریالیسم و حاکمیت پوشالی زائیده آن و راه ها و شیوه های مبارزه با آن است. وحشت و درنده خوئی اشغالگران در پنجوائی نه مثال اول آن است، و نه نمونه آخر آن. قبل از جنایت پنجوائی ما شاهد حوادثی از همین نوع در بالا بلوک، اروزگان، کنر، کاپیسا، هلمند، قندوز و دیگر جا ها... بوده ایم و تازه این نمونه جدیدش را (عکس گرفتن جانوران امریکائی در کنار اجساد پاره پاره و سوخته انتحارگران) در رسانه ها دیدیم، خواندیم و شنیدیم. این نیز آخر جنایت نیست. گذشته از آن، این نمونه های جنایت انجام شده جزء سیاست و اقتدار امپریالیستی و مکمل آن در کشور ما پنداشته می شود.

حالاً که " هواداران ساما در کانادا" آدرس مشخصی داده و علم هواداری از "ساما" (یعنی مرکزیت منحرف و تسلیم طلب تحمیل شده و حامیان و هوادارانش به اضافه عده معدودی متوهم و سرگردان) به دور مرکزیت حاکم را، بلند کرده اند، از این که خود مرکزیت آنان با وجود تقاضای مکرر اعضاء حاضر به جواب دادن نشده است؛ امید می رود که این هواداران تمامی سؤال های چندین ساله در مورد مواضع و سیاست های انحرافی و تصامیم و اجراءات آن را جواب بگویند. اینان مکلف اند تا به طور علنی مواضع خویش را در قبال کلیه مسائل در پیشگاه خلق دربند افغانستان و انقلابیون کشور ما از جمله اعضاء قبلی "ساما" روشن، آشکارا و شفاف بیان داشته و هیچ چیزی را پرده پوشی نکنند.

بلند کردن علم هواداری از "ساما"، از لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی به معنی پذیرش مسؤولیت در قبال قضایای خوب و بد آن سازمان (به شمول انحرافات فکری و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی تا کنونی مرکزیت حاکم) محسوب می شود. نمیدانم که محرر و کاتب و امضاء کنندگان آن اعلامیه در جمع هواداران متذکره و یا خارج از آن، به این مسؤولیت خویش آگاهی دارند یا خیر؟؟؟

اگرچه که حالا خیلی دیر شده است، ولی من و تعداد زیادی از اعضاء قبلی "ساما" ضمن استقبال از اعلامیه تان در نکوهش و حشی گری سازمان یافته و هدفمند گران درنده امپریالیسم اشغالگر امریکا و شرکاء در حق مردم جفا دیده ما، توقع داریم تا نویسندگان و امضاء کنندگان اعلامیه هواداران "ساما" در کانادا و یا هر مرجعی دیگر در حول مرکزیت فعلی تان (همان مرکزیت منحرف قبلی) دیدگاه ها و مواضع رسمی جمعی تان را در مورد:

- مواضع ایدئولوژیک و خط برنامه ئی و تطبیقات اجرائی تا کنونی تان؛
- اشغال امپریالیستی یازده ساله کشور و حاکمیت خون بار و اسارت آور مشترک امپریالیستی و ارتجاعی، و راه ها و اشکال و وسائل برون رفت از زیر این حاکمیت؛
- "انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و اپورتونیسم و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی یازده ساله زاده این انحرافات توسط مرکزیت مطرود گذشته ولی مقبول کنونی جمع تان و کار نامه ها، سیاه کاری ها و زد و بند ها و ... آن"؛
- مانع تراشی بیوروکراتیک و کارشکنی و امروز و فردا کردن "مرکزیت تسلیم طلب و گمراه" تان برای تدویر اصولی سومین کنگره ساما؛
- اقدام مشترک نهائی "غیر آئین نامه ئی و توطئه گرانه" مرکزیت، همکاران و هوادارانش برای سرهم بندی و دعوت عجولانه گنگره یا کنفرانس محدود تان بدون اشتراک اکثریت کادر ها و اعضاء وفادار به میراث و راه و رسم انقلابی مجید - رهبر و تحریم و بی خبر گذاشتن آنان؛

- فیصله ها و تصامیم مصلحتی تسلیم طلبانه جلسه اول دلو ۱۳۸۹ تان، موکول کردن دوسیه انحراف و تسلیم طلبی مرکزیت تان و اتخاذ تصمیم در مورد آن به بعد؛
- "باقی مرکزیت منحرف و تسلیم طلب مطرود اپورتونیست دیروزی برای دو سال آینده (از اول دلو ۱۳۸۹ الی اول دلو ۱۳۹۱ شمسی؟)" به اتفاق آراء؛
- " دستاورد خواندن پروژه ها و رهآورد های استعمار امپریالیستی مثل احزاب مزدور راجستر شده و کار علنی در قالب پروژه ها و اقتضات استعماری اشغالگران به اتفاق آراء" در جلسه مشترک اول دلو ۱۳۸۹ تان؛
- قبول مسؤلیت تاریخی فردی و جمعی تان در قبال اشتراک در جلسه مشترک اول دلو ۱۳۸۹ تان با مرکزیت و تمامی فیصله ها و تصامیم تسلیم طلبانه، سازشکارانه و غیر اصولی آن جلسه؛
- تداوم تا کنونی خط مشی انحرافی اپورتونیستی و تسلیم طلبانه مرکزیت حاکم تان وسازش، اغماض و هم‌رهی و همکاری و کنار آمدن تا کنونی شما هواداران و همکاران با آنان؛ و ده ها مطلب و مورد دیگر... صادقانه و بی پرده و پوست کنده بنویسید.

حفظ مرکزیت منحرف، انقیاد طلب و تسلیم طلب ملی و شعار آزادی خواهانه "یا مرگ یا آزادی!" مجید در یک تشکل نمی گنجد. باید از موضع یکی علیه دیگری به پا خاست و با یکی از این دو وداع گفت: یا مرکزیت تسلیم طلب، یا شعار رزم مجید. سردادن شعار "یا مرگ یا آزادی!" مجید شهید در عین حاکم و رسمی بودن خط مشی انحرافی و تسلیم طلبانه مرکزیت و خود مرکزیت بر جمع تان، آن شعار پر ظنین را از هیبت و اعتبار ساقط کردن است. این بازی خطرناکیست که بازنده اصلی آن بازیگران آن در نزد داور سخت گیر تاریخ خواهند بود.

به جای این، شما می توانید و باید با شعار رزم "یا مرگ یا آزادی!" مجید علیه مرکزیت منحرف و تسلیم طلب تحمیل شده و با داران امپریالیستی و مرتجع آن به پا خاسته و با طرد مرکزیت و ترک راه و خط انحرافی آن، تمام اندیشه و عمل خویش را در طبق اخلاص به دآوری خلق دربند، ولی سلحشور و انقلابیون افغانستان پیشکش کنید. در آن صورت، اگر برائتی حاصل شد، آنوقت مردم و انقلابیون کشور حرف تان را جدی گرفته و شما در میان آنان جایگاهی خواهید یافت.

بدان امید!

دوم ماه ثور ۱۳۹۱ هجری شمسی